

From Existing Pluralism to Kantian Unitarianism in International Environmental Law

(Type of Paper: Research Article)

Mostafa Fazaeli^{1*}, Vahid Kosari²

Abstract

International Environmental Law (IEL) faces pluralism both normatively and institutionally. Some thinkers, with a pluralistic or specialistic approach, don't consider this pluralism harmful for IEL, dealing it to the nature of international law. Inspired by Kant's unification, the opposite view leads to normative Integration and institutional Centralization. The present article, through a descriptive-analytic method and by means of content analysis, aims to illustrate the desired perspective of this field and propose an appropriate model, taking into account the existing conditions. The present study, paying attention to some managerial and sociological aspects of the issue, concludes that the actually pluralism needs to achieve unity and centralism, in some sectors, in the light of which the positive effects of specialization can be manifested.

Keywords

Centralization; Constitutionalization; International Environmental Law; Kantian Unitarianism; Pluralism.

1. Associate Prof., Department of International Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: fazaeli2007@gmail.com

2. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
Email: laforet.ciel@yahoo.com

Received: August 16, 2020 – Accepted: December 7, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

از کثرت‌گرایی موجود تا وحدت‌گرایی کانتی در حقوق بین‌الملل محیط زیست

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

مصطفی فضائلی^{۱*}، وحید کوثری^۲

چکیده

حقوق بین‌الملل محیط زیست هم در بعد هنجاری و هم در بعد نهادی با کثرت‌گرایی روبه‌روست. برخی کثرت موجود را با رویکردی پلورالیستی یا تخصص‌گرایی می‌نگرند و آن را نه تنها مضر نمی‌دانند، بلکه مفید نیز ارزیابی می‌کنند. دیدگاه مقابل نیز با الهام از وحدت‌گرایی کانت، به یکپارچه‌سازی هنجاری و تمرکز نهادی در حقوق بین‌الملل محیط زیست منتهی می‌شود. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای، درصدد است به ترسیم چشم‌انداز مطلوب این حوزه بپردازد و الگوی مناسب را با در نظر گرفتن شرایط موجود پیشنهاد کند. نوشتار پیش رو ضمن توجه به برخی ابعاد مدیریتی و جامعه‌شناختی موضوع، نتیجه می‌گیرد که کثرت‌گرایی موجود در بخش‌هایی، نیازمند رسیدن به وحدت و تمرکزگرایی است تا آثار مثبت تخصص‌گرایی بتواند در پرتو آن آشکار شود.

کلیدواژگان

اساسی‌سازی (قانون اساسی‌گرایی)، تمرکز نهادی، حقوق بین‌الملل محیط زیست، کثرت‌گرایی، وحدت‌گرایی کانتی.

۱. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
Email: fazaeli2007@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
Email: laforet.ciel@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

مقدمه

رفتار تخریب‌گرایانه بشر نسبت به محیط زیست از دهه ۷۰ (کنفرانس استکهلم) و ۹۰ سده بیستم میلادی (کنفرانس ریو) به این سوی با تقبیح بیشتر جامعه بین‌المللی همراه شد و ساختار اصلی حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط زیست از آن زمان با شتاب فزاینده‌ای شکل گرفت. در عصر حاضر حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی که هدف از آن حفاظت از محیط زیست است (کیس و شلتون، ۱۳۹۷: ۲)، با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌روست. فراخوان همکاری دولتها برای نجات زمین از فجایع و آسیب‌های متعدد زیست‌محیطی، نظام حقوقی منسجمی را می‌طلبد تا رفتار تابعان و بازیگران حقوق بین‌الملل نسبت به محیط زیست را با هدف غایی «صیانت از منافع عام بشریت»^۱، تحت کنترل خویش درآورد (Ricciardelli, 2000: 227). بدین منظور باید از منافع ملی، نظم سیاسی و اقتصادی دولتها فراتر رفت و اقدام‌های جهانی مؤثر و مقتضی را اتخاذ کرد (Petit, 2011: 34).

کثرت و تعدد منابع هنجاری از معضلات جدی حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی محسوب می‌شود. وجود قوانین بین‌المللی متعدد در فرایند حفاظت از محیط زیست جهانی از حیث پوشش هرچه بیشتر موضوعات مختلف زیست‌محیطی می‌تواند یک مزیت باشد، اما باید توجه داشت که داشتن قوانین زیاد لزوماً به معنای اجرای بهتر عدالت نیست. ضرب‌المثل مشهور لاتینی منتسب به سیسرون^۲ «قوانین بیشتر، عدالت کمتر»^۳ گویای همین مطلب است (Anton, 2012: 3). شایان ذکر است که در حال حاضر^۴ آمار معاهدات چندجانبه و موافقت‌نامه‌های دوجانبه در حوزه محیط زیست به عدد ۵۰۰ رسیده (Barchiche et al., 2019: 1) که در کنار اصلاحات مختلف و بی‌شمار وارده بر آنها، درگاه اینترنتی جهانی ملل متحد در خصوص محیط زیست (اکولکس)^۵، صرفاً در مورد معاهدات (تعداد و اصلاحات در خصوص معاهدات)، رقم ۲۱۷۴ را نشان می‌دهد. چنین حجم گسترده‌ای از معاهدات که برخی تعبیری مانند «احتقان معاهداتی»^۶ (Anton, 2012: 2) یا «غلیان هنجاری»^۷ (Maljean-Dubois, 2003: 8) را در مورد آن به کار می‌برند، نوعی سردرگمی برای تابعان حقوق بین‌الملل در تبعیت از هنجارهای زیست‌محیطی ایجاد خواهد کرد.

بعد نهادی حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز با کثرت روبه‌روست. شاید برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد^۸ آشناترین نامی باشد که در مدیریت جهانی مسائل

1. Protection de l'intérêt général de l'humanité.

2. Cicéron (en latin) Marcus Tullius Cicero).

3. Summum ius summa iniuria (The more law, the less justice).

۴. سال ۲۰۲۰ میلادی (۱۳۹۹ ش)

5. www.ecolex.org

6. Treaty Congestion.

7. Frénésie normative

8. The United Nations Environment Programme (UNEP)

زیست‌محیطی وجود دارد، اما طی سالیان مختلف به موازات آن، کمیته‌ها، کمیسیون‌ها، صندوق‌ها، برنامه‌ها و مجامع بسیاری هم در داخل و هم در خارج از ساختار ملل متحد شکل گرفته که خود به بروز پدیده کثرت‌نهادی منجر شده است. برای مثال می‌توان به کمیسیون توسعه پایدار^۱، صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست^۲، دستورالعمل ۲۱^۳، کمیته نمایندگان دائم^۴، گروه مدیریت زیست‌محیطی ملل متحد^۵، مجمع جهانی وزرای محیط زیست^۶، مجمع عالی‌رتبه سیاسی برای توسعه پایدار^۷، انجمن ملل متحد راجع به جنگل‌ها^۸، گروه کارشناسان بین‌دولتی تحولات آب و هوا^۹، برنامه توسعه ملل متحد^{۱۰} و اخیراً^{۱۱} مجمع محیط زیست ملل متحد^{۱۲} اشاره کرد که فقدان مرجع واحد انسجام‌بخش نهادی و انجام فعالیت‌های موازی این نهادها، افزون‌بر معضلات زیست‌محیطی، خود به یکی دیگر از چالش‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست مبدل شده است. علاوه بر این موارد، باید به انواع نهادهای معاهداتی ذی‌صلاح در امر محیط زیست اشاره کرد که در چارچوب اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی در قالب کنفرانس‌های منظم برگزار می‌شوند.^{۱۳} آژانس‌های تخصصی ملل متحد نیز که هر کدام از

1. Commission on Sustainable Development (CSD).
2. Global Environment Facility (GEF)
3. Agenda 21
4. The Committee of Permanent Representatives (CPP)
5. UN Environment Management Group (EMG)
6. The Global Ministerial Environment Forum (GMEF)
7. The High-level Political Forum on Sustainable Development (HLPF)
8. The United Nations Forum on Forests (UNFF)
9. The Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)
10. United Nations Development Programme (UNDP)
۱۱. از سال ۲۰۱۲ میلادی مجمع به‌عنوان جایگزین شورای حکام (Governing Council) برنامه ملل متحد برای محیط زیست (UNEP)، با عضویت جهانی و متشکل از ۱۹۳ عضو، در حال حاضر بالاترین هیأت تصمیم‌گیرنده در زمینه محیط زیست محسوب می‌شود.
12. UN Environment Assembly (UNEA)
۱۳. نظیر کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییر اقلیم (COP/UNFCCC)، کنفرانس اعضا در قالب اعضای پروتکل کیوتو (CMP)، کنفرانس اعضا در قالب اعضای موافقت‌نامه پاریس (CMA)، کنفرانس اعضای کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون (COP/ VCPOL)، کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی (COP/CBD) و کنفرانس اعضای کنوانسیون بازل در خصوص کنترل انتقال فرامرزی مواد زائد زیانبار و دفع آنها (COP/BC) و ... بر فهرست مذکور می‌توان فعالیت انواع سازمان‌های بین‌المللی را که به‌نحوی از آنها به موضوع محیط زیست نیز ورود پیدا کرده‌اند، گروه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (شبکه اتحادیه اروپا برای اعمال و اجرای حقوق محیط زیست (IMPEL)، شبکه بین‌المللی تبعیت و اجرای محیط زیست (INECE) و کمیسیون همکاری زیست‌محیطی در چارچوب منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)) و نقش آنها در پیگیری و اجرای انواع مختلف معاهدات با دارا بودن روش‌های نظارتی فنی متعدد همچون گزارش، بازرسی، دستورالعمل‌ها و ... را نیز افزود که پرداختن به همه آنها خارج از توان مرقومه پیش روست و کلیات مذکور در اثبات کثرت‌نهادی کافی می‌نماید. برای مطالعه بیشتر ر.ک: موسوی، ۱۳۹۱: ۴۱۱-۴۰۶.

منظری به مقوله محیط زیست پرداخته‌اند، بر پیچیدگی‌ها افزوده‌اند. کثرت نهادهای خارج از ساختار ملل متحد نیز قابل تأمل است. سازمان محیط زیست و توسعه زنان^۱، صندوق جهانی حیات وحش^۲، صلح سبز^۳، تنها بخشی از این نهادهای زیست‌محیطی (اعم از دولتی یا غیردولتی) هستند.

دو رویکرد نظری یکی بر پایه وحدت‌گرایی کانتی و دیگری پلورالیسم که البته به‌طور کلی در حقوق بین‌الملل نیز می‌تواند مطرح شود، در حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌طور خاص تفکیک‌پذیر است. توصیف حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی که پیشتر بیان شد، به‌طور منطقی و طبیعی آن را تا حد زیادی واجد همان مشخصه‌های کلی حقوق بین‌الملل از حیث ماهیت و ضمانت اجرا می‌سازد و ما را علی‌الاصول در برابر همان پرسش‌هایی قرار می‌دهد که در چارچوب فلسفه حقوق بین‌الملل (هستی، چیستی، چرایی و چگونگی) (ذوالعین، ۱۳۹۵: ۱۰۰) مطرح می‌شود، اما خاص بودن دو رویکرد مذکور در حقوق بین‌الملل محیط زیست از آن حیث است که درون این شاخه از حقوق بین‌الملل نیز ویژگی‌های منحصربه‌فردی وجود دارد که لازم است بدان پرداخته شود؛ ویژگی‌هایی چون کثرت هنجارها، ماهیت نرم و انعطاف‌پذیر هنجارها^۴ و تعدد و موازی‌کاری نهادهای متولی موضوعات زیست‌محیطی. در واقع بارزترین و شاخص‌ترین مصداق پلورالیسم در حقوق بین‌الملل را می‌توان مربوط به حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست دانست. بنابراین به‌نظر می‌رسد تاباندن پرتوهای نظریات فلسفی به‌طور خاص بر این شاخه از حقوق بین‌الملل، به‌نحو ملموس‌تری می‌تواند ذهن مخاطب را با نتایج عملی آن آشنا سازد. رویکرد نخست رویکردی است که انسجام و وحدت‌گرایی در حقوق بین‌الملل را تجویز می‌کند و با گریز از تجزیه حقوق بین‌الملل و اجتناب از تأکید افراطی بر رژیم‌های خودبسنده، درصدد تقویت باور به قانون اساسی واحد و تمرکز نهادی در حقوق بین‌الملل است. رویکرد دوم نیز وجود تکثر در حقوق بین‌الملل را فی‌نفسه نه‌تنها مضر تلقی نمی‌کند و آن را برهم‌زننده انسجام حقوق بین‌الملل نمی‌داند، بلکه برعکس معتقد است با به رسمیت شناختن حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل و

1. The Women's Environment & Development Organization (WEDO).

2. World Wide Fund (WWF).

3. Greenpeace (paix verte).

۴. به‌عبارت دیگر آنچه هنجارهای حقوق بین‌الملل محیط زیست را از کمنند توصیف‌های معمول هنجارهای حقوق بین‌الملل به الزام‌آور و غیرالزام‌آور فوق فراتر می‌برد و آن را متمایز می‌سازد، آن است که ماهیت هنجارهای زیست‌محیطی حتی در خصوص بسیاری از معاهدات و آن دسته از اسنادی که حسب ظاهر باید در دسته حقوق سخت جای گیرند، فارغ از اینکه آیا در حقوق بین‌الملل می‌توان از هنجارهای الزام‌آور سخن گفت یا نه، اساساً دارای ماهیتی منعطف و نرم بوده و متکی به پذیرش داوطلبانه دولت‌هاست تا پذیرش همراه با اعمال فشار. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۶۷.

تأمل در تخصص‌گرایی و تکثر می‌توان به کل واحد نیز دست یافت. مقاله حاضر در صدد است به این پرسش‌های اساسی پاسخ دهد که آیا رجوع به اندیشه‌های جهان‌شمولی کانت و حرکت به سمت قانون اساسی جهانی و ایجاد تمرکز نهادی، می‌تواند راهگشای چالش‌های خاص حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد؟ آیا اصولاً با توجه به تنوع موضوعات زیست‌محیطی که ویژگی خاص حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده و حسب ظاهر مستلزم وضع قواعد گوناگون و وجود نهادهای مختلفی برای مدیریت آن است، امکان تحقق تفکرات وحدت‌گرایی کانتی در عالم واقعی را میسر می‌سازد؟ به عبارت دیگر، نظرهای مبتنی بر تخصص‌گرایی و پلورالیسم حقوقی در حقوق بین‌الملل محیط زیست را که مقتضای تنوع موضوعی در این عرصه بوده و از موجبات تکثر‌گرایی است، چگونه می‌توان با وحدت‌گرایی کانتی قابل جمع دانست؟ فرض مقاله بر این بنا نهاده شده است که تلاش برای نیل به قانون اساسی واحد و همچنین مطالبات برای ایجاد تمرکز نهادی که در حقوق بین‌الملل سابقه بیشتری دارد، با وجود برخی مخالفت‌ها از سوی کثرت‌گرایان، در حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز به مطالبه‌ای جدی مبدل شده و اکنون برخی نشانه‌های عملی آن نیز بروز یافته است که تا حد زیادی بیانگر فقدان موفقیت تفکرات مبتنی بر پلورالیسم و کثرت‌گرایی در این حوزه است. ضمن آنکه این امر به معنای نفی تخصص‌گرایی موجود نیست، بلکه باید هم در بعد هنجاری و هم نهادی مرکزیت و محوریتی ایجاد کرد که سایر اجزای متکثر نظام بین‌المللی محیط زیست خود را با آن هماهنگ کنند.

کثرت‌گرایی حقوق بین‌الملل محیط زیست

«پلورالیسم حقوقی»^۱ و «تخصص‌گرایی» در مقابل نسخه‌هایی چون اساسی‌گرایی یا «قانون اساسی‌سازی»^۲ از سوی برخی اندیشمندان در حقوق بین‌الملل مطرح شده است (کاسکنیمی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). این دیدگاه را که بیشتر ناظر بر نظام حقوق بین‌الملل و ارتباط آن برای مثال با رژیم‌های خودبسنده موجود از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست است، می‌توان درون خود این رشته نیز به‌نحو ملموس‌تر و برجسته‌تری مطرح کرد. با مطمئن نظر قرار دادن تنوع موضوعات زیست‌محیطی و ماهیت انعطاف‌پذیر هنجارهای زیست‌محیطی در چارچوب مفهوم توسعه پایدار به‌منظور همراهی با دغدغه‌های توسعه‌ای کشورها^۳، شاید بتوان با دوری جستن از

1. Legal pluralism

2. Constitutionalization

۳. وضع هنجارهای سخت و الزام‌آور زیست‌محیطی که مسیر توسعه اقتصادی دولت‌ها را سد کند و مانع پیشرفت آنها تلقی شود، به‌سادگی ممکن است به حذف کامل این هنجارها از سوی دولت‌ها منتهی شود. ضرورت ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور مدیریت صحیح در این زمینه امری است انکارناپذیر. در این زمینه به‌نظر می‌رسد مفهوم «توسعه پایدار» اساساً شالوده ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و حاکمیت

هنجارهای سخت، حذف کامل حاکمیت دولت‌ها یا تأکید بر آیین‌های تبعیت و پیروی^۱، قائل به هضم چنین پلورالیسم و کثرتی در حقوق بین‌الملل محیط زیست بود. کثرت‌گرایی حقوقی^۲، علی‌الاطلاق، مفهومی است که در مقابل وحدت‌گرایی به کار می‌رود. برای این مفهوم معانی مختلفی مانند کثرت‌گرایی منابع حقوقی^۳، کثرت‌گرایی نظم‌های حقوقی^۴ و کثرت‌گرایی نظام‌های حقوقی^۵ می‌توان متصور شد.^۶ این بخش، ضمن توجه کلی به نقش حقوق بین‌الملل محیط زیست و مباحث مطروحه در خصوص تکثر و تجزیه حقوق بین‌الملل، بر کثرت‌گرایی منابع هنجاری حقوق بین‌الملل محیط زیست تأکید دارد.

هنجارگرایان وحدت حقوقی را در نظام‌مند بودن آن جست‌وجو می‌کنند که همانا وجود

دولت‌ها بر منابع طبیعی و نیاز آنها به توسعه و پیشرفت باشد. در تعریف توسعه پایدار، براساس گزارش بروتلند (آینده برای همه)، مورخ ۱۹۸۷، گفته شده است: «تلاش برای برآورده ساختن نیازهای کنونی بدون لطمه زدن به ظرفیت نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهای خویش».

۱. با وجود تلاش در جهت کم‌رنگ شدن اقتدار مطلق حاکمیت دولت‌ها، تمایل به حفظ آن در حقوق بین‌الملل به‌طور عام و در حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌طور خاص کماکان از جایگاه مستحکمی برخوردار است. به‌نحوی که بیشتر اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی اعم از معاهدات، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و ... ، به‌ناچار به‌نحوی از انحاء خود را با این اصل تنظیم کرده و به‌طور صریح یا ضمنی جایگاه آن را به رسمیت شناخته‌اند. اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم نیز به‌صراحت اشعار می‌دارد: «دولت‌ها وفق منشور سازمان ملل متحد اصول حقوق بین‌الملل، از حق حاکمیت و بهره‌برداری از منابع [طبیعی] خویش مطابق با سیاست‌های زیست‌محیطی خود برخوردارند [...]». به همین روی «به‌طور کلی دولت‌ها از به کارگیری اقدامات تنبیهی در خصوص معاهدات زیست‌محیطی خودداری ورزیده و در ازای آن به آیین‌های نرم‌تر «عدم پیروی» روی می‌آورند». ر.ک: کولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۶۷ و ۶۸. به سخن دیگر، دولت‌ها همچنان از ملزم شدن به تبعیت و پیروی از هنجارهای زیست‌محیطی سخت و غیرمعتوف به حاشیه صلاحدید خود روی گردانند.

2. Pluralisme juridique

3. Le pluralisme des sources juridiques

4. Le pluralisme des ordres juridiques

5. Le pluralisme des systèmes juridiques

۶. حقوق را از دو بعد می‌توان بررسی کرد: بعد هنجاری و نمادین آن که همان «نظم حقوقی» است و بعد «رویه‌های حقوقی» که نظم حقوقی براساس آن تولید و بازتولید شده و در چارچوب نهادی خاص همچون پارلمان، دولت، محاکم قضایی جریان می‌یابد. در نظام حقوقی هر دو بعد حقوق یعنی نظم حقوقی و رویه‌های حقوقی مطمح نظر قرار می‌گیرد. به‌منظور روشن‌تر شدن تمایز، ویلیام تونینینگ (William Twining) برای بیان کثرت در نظم‌های حقوقی مثال کشور تانزانیا در دهه ۶۰ میلادی را ذکر می‌کند. در این کشور دادگاه‌ها علاوه بر کامن‌لا، قوانین انگلیس، قوانین محلی، قانون اسلامی، قانون هندوها و قوانین عرفی محلی را نسبت به اشخاص مختلف اعمال می‌کرده‌اند. «کثرت‌گرایی نظام‌های حقوقی» نه فقط معترض انحصارگرایی دولت در بعد هنجاری است، بلکه در بعد نهادی و رویه‌های حقوقی نیز به آن اعتراض می‌کند. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Tuori, Kaarlo, Vers une théorie du droit transnational, *Revue internationale de droit économique* 2013/1 (t. XXVII), p. 18, <https://www.cairn.info/revue-internationale-de-droit-economique-2013-1-page-9.htm>. See also: Comtois-Dinel, Eve-Lyne, La fragmentation du droit international : vers un changement de paradigme?, *Lex Electronica*, Vol. 11, No. 2 (Automne / Fall 2006), pp. 7-19, <http://www.lex-electronica.org/articles/v11-2/comtoisdinel.htm> <http://www.lex-electronica.org/articles/v11-2/comtoisdinel.pdf>.

سلسله‌مراتب هنجاری است. از منظر آنان سلسله‌مراتب هنجاری به ایجاد نظم، وحدت و یکپارچگی در حقوق منتهی خواهد شد. البته چنین برداشتی یکسویه و ناصحیح می‌نماید، چراکه آنها دولت را تنها خالق حقوق می‌دانند و آن را به‌مثابه کامل‌ترین نظام تصور می‌کنند. برای مثال هانس کلسن^۱ در نظریه محض حقوقی خویش، حقوق را به‌مثابه مجموعه‌ای سلسله‌مراتبی از هنجارها در نظر می‌گیرد که هنجارهای فرودین اعتبار خویش را از هنجارهای فرازین کسب می‌کنند تا جایی که به رأس این هرم حقوقی^۲ به هنجار بنیادین فرضی^۳ ختم می‌شود (Kelsen, 1962: 169-170). همچنین هربرت هارت^۴ نظام حقوقی را متشکل از «هنجارهای اولیه»^۵ و «هنجارهای ثانویه»^۶ توصیف می‌کرد. هنجارهای اولیه، به بایدها و نبایدهای ناظر بر رفتارها و هنجارهای ثانویه به هنجارهایی اطلاق می‌شود که امکان ایجاد، شناسایی، ارتقا، حذف یا تغییر هنجارهای اولیه را فراهم می‌سازند. بدین ترتیب از دید هارت دو شرط لازم برای توصیف یک نظام حقوقی وجود دارد: ۱. تبعیت عام اتباع از قواعد و هنجارها؛ ۲. پذیرش هنجارهای ثانویه از جانب مقامات (88: Shany, 2003). هارت در کتاب مفهوم قانون^۷ بیان می‌دارد که وجود «قواعد شناسایی»^۸ به دولت‌ها امکان می‌دهد ضمن شناسایی یا تغییر هنجارهای اولیه، در صورت نقض احتمالی این هنجارها (اولیه) چه مجازاتی را اعمال کنند (Hart, 1965: 113-117). در نتیجه از دید هارت قواعد شناسایی همان عامل وحدت‌بخشی است که مجموعه‌ای از هنجارهای الزام‌آور را به نظام منسجم مبدل می‌سازد (Comtois-Dinel, 2006: 7). فارغ از ورود به مباحث نظری امکان یا عدم امکان به تصویر کشاندن نظام حقوقی کلسنی و هارتی در تابلوی حقوق بین‌الملل به‌طور عام و حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌طور خاص، به دلیل فقدان سازوکارهای داخلی دولت‌ها یا نیافتن پاسخ منطقی برای مبنای الزام‌آوری قاعده بنیادین، از منظر کثرت‌گرایی، هنجارها یا نهادها در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست از تبعیت و چرخش پیرامون هنجارهای بنیادین یا نهادی متمرکزگریزان بوده و برای نیل به وحدت غایی لزومی به ایجاد سلسله‌مراتب میان هنجارها یا نهادها نمی‌بینند. البته تداوم بحث در خصوص وجود یا عدم نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست خارج از حوصله علمی تحقیق پیش روست و به‌ناچار بحث کثرت را باید در چارچوب حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی موجود^۹ مطرح کرد. کثرت که برخی آن را معادل

1. Hans Kelsen.
2. Stufenbau.
3. Grundnorm.
4. Herbert Lionel Adolphus Hart (H.L.A. Hart).
5. Primary rules.
6. Secondary rules.
7. The Concept of Law.
8. Rules of recognition.

۱. مراد از «حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی» یا «حاکمیت جهانی زیست‌محیطی» متفاوت از حاکمیت

مناسب‌تری برای «تجزیه»^۱ یا چندپارگی حقوق بین‌الملل در نظر گرفته‌اند (شهبازی، ۱۳۸۸: ۱۴)، موضوع تازه‌ای نیست، اما متعاقب اقدام‌ها و برنامه کاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست‌های پنجاه و دوم تحت عنوان «خطرات ناشی از تجزیه حقوق بین‌الملل»^۲ و نیز نشست پنجاه و چهارم تحت عنوان «تجزیه حقوق بین‌الملل: مسائل ناشی از تنوع توسعه حقوق بین‌الملل»^۳، موضوع به‌عنوان یک نگرانی در محافل بین‌المللی مطرح و دلایل متعددی مانند فقدان نهادهای مرکزی مقتدر، تخصیصی شدن حقوق بین‌الملل، مقررات موازی، مقررات رقیب و گسترش قلمرو حقوق بین‌الملل برای آن ذکر شد (مافی و بذار، ۱۳۹۴: ۱۸۶). بروز و گسترش فزاینده رژیم‌های خودبسنده^۴ مانند حقوق بین‌الملل محیط زیست (Dupuy, 2002: 432-450) از عوامل کثرت در حقوق بین‌الملل است، اما خود نیز به دریای بیکرانی از هنجارها و نهادهای زیست‌محیطی مبدل شده است که اگرچه در مواجهه با موضوعات گسترده این قلمرو ممکن است تا حدی منطقی جلوه کند، بحث‌ها در خصوص تکثر و وحدت را همان‌طور که بیان شد، می‌توان در دل آن نیز مطرح کرد. کثرت و تنوع منابع هنجاری زیست‌محیطی نوعی سردرگمی در تبعیت از هنجارهای زیست‌محیطی ایجاد کرده است. ضمن آنکه به‌نظر می‌رسد چنین مجموعه‌ای نامنظم، مبهم و تفسیرپذیر از قوانین و مقررات متعدد نیازمند معیارهایی بنیادین و اساسی است که سایر مقررات و هنجارهای نرم در سایه آن تفسیر شوند (Malviya, 2015: 103-106). به‌طور کلی در مواجهه با معضلات ناشی از تکثر و تعارض در هنجارهای حقوق بین‌الملل راهکارهایی کلی مانند رجوع به مقررات تفسیری کنوانسیون وین حقوق معاهدات

دولت‌هاست. از نظر فنکلستن «حاکمیت جهانی عملاً شامل هر چیزی می‌شود»، اما بی‌شک چنین دامنه وسیعی مدنظر نیست. حتی برخی چنان گستره وسیعی برای حاکمیت جهانی تعریف کرده‌اند که از خانواده تا سازمان‌های بین‌المللی را در برمی‌گیرد. ر.ک:

Finkelstein, Larry, "What is Global Governance?" 1995, pdf version of this paper is available at: <http://classes.maxwell.syr.edu/intmgt/Finkelstein.PDF>.

GENEVIEVE LeBLANC, «Gouvernance internationale de l'environnement: une perspective systémique écologique pour la réforme des organisations internationales», mémoire de maîtrise, UNIVERSITÉ DU QUÉBEC À MONTRÉAL, 2011, p. 6.

حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی نقطه مقابل حاکمیت دولت‌ها در مواجهه با مسائل زیست‌محیطی و نحوه مدیریت جهانی محیط زیست است. برخی آن را به «مجموعه سازمان‌ها، ابزارهای سیاسی، مکانیسم‌های تأمین منابع مالی، قوانین، رویه‌ها و هنجارهای مربوط به فرایندهای حفاظت از محیط زیست جهانی» تعریف کرده‌اند. ر.ک: حسینی، ۱۳۹۲: ۳۴.

2. Fragmentation

3. Risks ensuing from the fragmentation of international law, U.N. Doc. No.ILC(LII)/WG/LT/INFORMAL/2 (2000)

4. Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, U.N. Doc. A/CN.4/L.682 (Apr. 13, 2006)

5. Régimes autosuffisants

(مواد ۳۱ تا ۳۳)؛ اصل هماهنگ‌سازی^۱ به این معنا که در صورت وجود چند هنجار مشابه در یک موضوع، تفسیر به‌نحوی باشد تا مجموعه‌ای واحد از تعهدات هماهنگ پدیدار شود؛^۲ قاعده خاص، مخصص قاعده عام است؛^۳ توجه به وحدت سیستماتیک (بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات)^۴؛ توجه به روابط سلسله‌مراتبی مندرج در برخی معاهدات (مانند ماده ۱۰۳ منشور)^۵؛ توجه به روابط سلسله‌مراتبی میان هنجارهای حقوق بین‌الملل (وجود هنجارهای آمره موضوع ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات)^۶ و مانند آن نیز ارائه شده است (کاسکنیمی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴). برخی حقوقدانان مانند پروفیسور ژرژ کاردونا لورنس^۷ ضمن بررسی نقش معاهدات در چندپارگی حقوق بین‌الملل، با عقیده‌ای که عامل اصلی چندپارگی حقوق بین‌الملل را معاهدات دانسته و معتقد است به‌واسطه معاهدات و همچنین ورود حق شرط‌های مختلف بر آنها رژیم‌های حقوقی متفاوتی پدیدار می‌شود، به مخالفت می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که اگرچه تعدد و کثرت معاهدات در موضوعی واحد به‌ویژه در حقوق بین‌الملل محیط زیست یا در حوزه‌های مختلفی که ممکن است در مواردی خاص دچار تعارض منافع شوند (برای مثال معاهده‌ای در خصوص محیط زیست و معاهده‌ای درباره تجارت)، از دلایل چندپارگی حقوق بین‌الملل است، اما این تحلیل ناقص بوده و دلیل نقص آن نیز بی‌توجهی به کفایت یا عدم کفایت قواعد حل تعارض است. در واقع، به‌زعم وی از آنجا که وحدت ماهوی حقوق بین‌الملل به وحدت شکلی آن بستگی دارد، باید قواعد حل تعارض و قواعد هماهنگ‌کننده معاهدات مطرح نظر قرار گیرد که این قواعد از نظر ایشان به قدر کفایت موجودند (Martineau, 2006 : 489-494). اما رجوع به گزارش دبیرکل سازمان ملل با عنوان «خلأهای حقوق بین‌الملل محیط زیست و متون مربوط به آن: به‌سوی پیمان جهانی محیط زیست»، خلاف این دیدگاه است. در

1. Harmonization

۲. به‌نظر می‌رسد این اصل از اصولی مشابه «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» در نظامات داخلی کشورها اخذ شده باشد.

3. Lex specialis derogat legi generali

۴. ۳- همراه با سیاق عبارت، به موارد زیر نیز توجه خواهد شد:

[...]

«ج. هر قاعده با مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط بین طرف‌های معاهده قابل اجرا باشد».

۵. در صورت تعارض میان تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها طبق هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود.

۶. وفق ماده ۵۳ عهدنامه وین ۱۹۶۹ در خصوص معاهدات، قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که از سوی جامعه بین‌المللی کشورها در کلیت خویش، به‌عنوان قاعده تخلف‌ناپذیر پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است، توافق برخلاف آن فاقد اعتبار بوده و تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل است. بنابراین، به‌رغم نبود سلسله‌مراتب در ساختار منابع حقوق بین‌الملل، اذعان به قواعد آمره بین‌المللی مشعر به وجود نوعی سلسله‌مراتب هنجاری در نظام حقوق بین‌الملل است.

7. Jorge Cardona Llorens

این دیدگاه مشکلاتی برشمرده شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. فقدان چارچوب هنجاری جامعی که به منزله اصول و قواعد اجرای عام حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد؛ ۲. حقوق بین‌الملل محیط زیست تکه‌تکه و انفعالی، تجزیه‌شده و فاقد انسجام کلی و قدرت هم‌افزایی میان شمار زیاد نظام‌های هنجاری بخشی است؛ ۳. وجود مشکل برقراری پیوند میان موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی و متون مربوط به آن، به دلیل فقدان شفافیت شکلی و ماهوی شمار زیادی از اصول زیست‌محیطی؛ ۴. [...] فقدان اجماع بین‌المللی در زمینه اصول زیست‌محیطی؛ ۵. دشواری اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی (Rapport du Secrétaire général, 2018: 1-2).

مشکلات مطروحه در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در واقع همان حلقه مفقوده‌ای است که کثرت‌گرایان در توصیف نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست از ارائه آن بازمانده‌اند. در واقع اگر بپذیریم کثرت‌گرایی هنجاری لازمه نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد و ضرورتی نیز به قرار دادن آنها ذیل چتر هنجارهای اساسی تری وجود نداشته باشد، با چه مدلی می‌توان به وحدت مورد ادعای آنها دست یافت؟

وحدت‌گرایی کانتی و بازتاب آن در پیش‌نویس پیمان جهانی محیط زیست

۱. وحدت‌گرایی کانتی

وجود روابط مبتنی بر «همکاری»^۱ و نه «تبعیت»^۲ در نظام حقوق بین‌الملل از موجبات تقویت این تفکر است که در حقوق بین‌الملل قواعد افقی و دارای اعتباری برابرند (مافی و بذار، ۱۳۹۵: ۱۰۲۸). به عبارت دیگر، مطابق این استدلال، سلسله‌مراتب هنجاری همچون قواعد حقوقی نظامات داخلی (قانون اساسی، قانون عادی، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ...) در حقوق بین‌الملل وجود ندارد. بحث‌های متفاوتی در خصوص امکان حرکت به سمت ایجاد یک قانون اساسی در حقوق بین‌الملل با تکیه بر تجاربی مانند قواعد آمره^۳، تعهدات عام‌الشمول^۴، هنجارهای بنیادین معرف ملاحظیات اساسی بشریت (ICJ Rep, 1949: 22)؛ «اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل» (ICJ Rep, 1996: para.)

1. Coordination
2. Subordination
3. Jus Cogens.

۴. تعهدات عام‌الشمول (Erga Omnes) آن‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن تعریف کرده، بدین شرح است: «... باید میان تعهدات یک دولت در برابر جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کلیت خویش، و تعهدات متقابل دولت‌ها در برابر یکدیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک تمایزی اساسی قائل شد. با توجه به اهمیت حقوق ذی‌ربط، تمامی دولت‌ها دارای منفعت حقوقی در این خصوص در نظر گرفته می‌شوند. این تعهدات عام‌الشمول خوانده می‌شوند». ر.ک: Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgique c. Espagne), I.C.J. Reports 1970, p. 32. Para. 33.

79) مطرح شده است. از نظر دوپویی قانون اساسی می‌تواند در دو معنا به کار رود؛ نخست از جنبهٔ مادی یا ماهوی^۱ که به معنای مجموعه‌ای از اصول حقوقی است که اهمیتی برتر برای تمامی مخاطبان موجود در جامعهٔ انسانی دارد و دوم از جنبهٔ ارگانیک و نهادی^۲ که در این صورت قانون اساسی به طراحی ارگان‌های عمومی، تفکیک قوا و نهادهای مختلفی می‌پردازد که هریک دارای صلاحیت و اقتدار مستقلی‌اند (Dupuy, 1997: 3). بسیاری از نویسندگان همچون یورگن هابرماس^۳ بر این عقیده‌اند که ساختار حقوق بین‌الملل مابین دو جنگ جهانی و متعاقب آن به‌نحوی توسعه یافته است که افکار جهان وطنی کانت را تقویت کرده است (Habermas, 2006: 115). به‌نظر می‌رسد همگام با گسترش موج «جهانی شدن»^۴ و عطش فزایندهٔ دنیا نسبت به آن به‌ویژه در نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم میلادی و تشکیل اتحادیه اروپا^۵ به‌عنوان نمونهٔ نسبتاً موفق، مجدداً عقاید کانت در خصوص جهان وطنی زنده شد (Ion D, 2012: 150). اگرچه کانت هرگز از رهگذر طرح «فدراسیونی از دولت‌های آزاد»^۶ رؤیای تشکیل دولت واحد جهانی را در سر نداشت و از نظر او به‌جای تشکیل حکومت جهانی باید همبستگی بین‌المللی دولت‌های مستقل و جدا تشکیل شود؛ دولت‌هایی که به شهروندان خود و به یکدیگر احترام می‌گذارند (فرناندو، ۱۳۹۴: ۶۲)، اما بدون تردید مفاهیمی چون «جامعهٔ جهان وطنی»^۷ و «قانون جهان وطنی»^۸ منتسب به اوست (Chen, 2019: 365). ایدهٔ حقوق جهان‌شمول^۹ کانت یا همان قاعدهٔ طلایی^{۱۰}: «طوری رفتار کن که خواهی، به‌عنوان یک قانون کلی، همه مانند آن رفتار کنند»، هم ناظر بر عمل اخلاقی است و هم عمل حقوقی. بنابراین ریشهٔ اخلاق و حقوق از منظر کانت در ارتباط با هم قرار دارد و به‌عبارت دیگر اخلاق و حقوق از دو ماهیت مختلف برنمی‌خیزد، لکن نوع و منشأ فرمان در آنها متفاوت است. فرمان یکی از درون آدمی برمی‌خیزد و دیگری از برون (موحد، ۱۳۸۱: ۱۸۶). باید دانست که مراد از طرح ارتباط اخلاق و حقوق از منظر کانت در اینجا، تأکید بر ایدهٔ جهانشمولی اوست و نه انتساب حقوق بین‌الملل به نظم اخلاقی. از نظر کانت، انسان غایت بالذات است و این غایت بالذات بودن با قوهٔ عاقلهٔ انسان پیوند می‌یابد. انسان چون عاقل است، اصل کلی اخلاق را به‌عنوان امر مطلق و «جهانشمول» تجربه می‌کند و به آن وجدان می‌یابد (کورنر، ۱۳۶۸: ۲۹۸). کانت از معدود فلاسفه‌ای است که در کنار مباحث معرفت‌شناختی با ورود به عرصهٔ فلسفهٔ سیاسی، به‌ویژه از

1. The Material or substantial sense
2. The Organic or Institutional sense
3. Jorgen Habermas
4. Globalization
5. European Union
6. A federation of free states
7. Cosmopolitan society
8. Cosmopolitan law (*ius cosmopolitism*)
9. Universal Law
10. Golden Principle

طریق رساله صلح پایدار^۱ الهام‌بخش تدوین ساختارهای نهادی و هنجاری حقوق بین‌الملل معاصر و به‌ویژه اسناد مؤسس سازمان ملل شد (Capps, 2001: 1004). بررسی آثار سیاسی کانت، که حاکی از تأمل او در قلمرو سیاست هستند، عمق و انسجام این اندیشه‌ها را در زمان طرحشان نشان می‌دهد. چنانکه برخی چون هانس رایس^۲ برای کانت مقام برجسته‌ای در اندیشه سیاسی غرب قائل بوده و او را همسنگ افلاطون و ارسطو دانسته‌اند (Reiss, 1971: 39). اگرچه برخی همچون کاسکنیمی رجوع به افکار کانت را وحدت‌بخش ندانسته و بیان می‌دارد: «زمانی که سنگ بنای حاکمیت کشورها از زیر پای ما فرو ریخت به این معنا نیست که به‌نوعی اتحاد کانتی دست می‌یابیم، بلکه نتیجه بازگشت به طبیعت‌گرایی پوفندروف و هابز خواهد بود» (کاسکنیمی، ۱۳۸۹: ۱۹۲) و نیز برخی متفکران مانند کلنلین از امکان «اساسی‌سازی در حقوق بین‌الملل»^۳ و نه «اساسی‌سازی حقوق بین‌الملل»^۴ سخن رانده‌اند (Kleinlein, 2011: 685) که در نتیجه آن می‌توان به اساسی‌سازی حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل امیدوار بود، کما اینکه واقعیات عملی اخیر گویای بازگشت به تفکرات کانت و نوعی حرکت جدی به سمت اساسی‌سازی حقوق بین‌الملل محیط زیست است. در واقع، باور به امکان وجود قانون اساسی در نظام حقوق بین‌الملل همواره از سوی متفکران به‌عنوان یک راه‌حل مطرح بوده و پذیرش وجود هنجارهای بنیادین می‌تواند مؤید امکان برقراری حقوق اساسی جهانشمول باشد (کاسکنیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). به‌نظر می‌رسد تدوین و تنظیم پیمانی عام و جهانشمول در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌تواند زمینه تحقق وحدت کانتی را در این حوزه فراهم آورد.

۲. پیش‌نویس پیمان جهانی محیط زیست؛ گامی عملی در جهت تحقق وحدت

کانتی در بعد هنجاری

برخی از تلاش‌های بین‌المللی اخیر مانند تصویب پیش‌نویس پیمان جهانی محیط زیست (قطعه‌نامه ۷۲/۲۷۷ مجمع عمومی، ۲۰۱۸، با عنوان «به‌سوی پیمان جهانی محیط زیست»^۵) و حتی پیشتر از آن به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس خود سازمان ملل متحد؛ منشور و اسناد بین‌المللی مهمی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸؛ میثاقین بین‌المللی حقوق بشر و نظایر آن را می‌توان ملهم از تفکرات کانت و گامی در راستای اساسی‌سازی برخی از اصول و هنجارهای مهم در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست دانست. پیش‌نویس پیمان

1. Perpetual Peace

2. Hans Reiss

3. The constitutionalization "in International Law"

4. The constitutionalization "of international law"

5. A/RES/72/277, General Assembly, *Towards a Global Pact for the Environment*, 10May2018

جهانی محیط زیست به همت باشگاه حقوقدانان فرانسه^۱ متعاقب ابتکار فرانسه در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷ در قالب پیش‌نویس قطعنامه مطرح و در ۱۰ مه ۲۰۱۸ با رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع از اعضای حاضر و رأی‌دهنده، تصویب شد.^۲ تدوین این پیش‌نویس که از یک مقدمه و ۲۶ ماده تشکیل شده، در حالی است که در ۵۰ سال گذشته انبوهی از اسناد و هنجارهای مختلف زیست‌محیطی تصویب شده است (Weiss, 1999: 1555) لیکن دلیل روی آوردن به چنین کنوانسیون کادر یا کنوانسیون چتری، چیزی جز غلبه رویکرد طرفدار اساسی‌سازی و احساس خلاً شدید قانون اساسی در این عرصه نمی‌تواند باشد. این پیمان ضمن در برداشتن اصول قدیمی شناخته‌شده که قبلاً در معاهدات، کنوانسیون‌های زیست‌محیطی بین‌المللی و همچنین رویه قضایی بین‌المللی منعکس شده‌اند^۳، دربرگیرنده اصول جدیدی چون اصل تاب‌آوری^۴، منع واپس‌گرایی (اصل ارتقای حمایت زیست‌محیطی قوانین) و تأکید بر نقش بازیگران غیردولتی و نهادهای محلی در حاکمیت زیست‌محیطی است که نقش آنها تعیین معیارهایی بنیادین برای سنجش سایر هنجارهای زیست‌محیطی است. در مجموع به‌نظر می‌رسد اگرچه امکان تحقق کامل الگوی جهانشمول کانتی در شرایط کنونی میسر نیست و رفتار دولت‌ها ضمن دفاع از کلیت مقررات اساسی حقوق بین‌الملل، سمت و سویی فردی داشته باشد (فلسفی، ۱۳۸۱: ۹۵)، از طرف دیگر «نمی‌توان شاهد ازهم‌گسیختگی هنجارهای بین‌المللی بود، چراکه پیامدهای منفی این ازهم‌گسیختگی تشویش و زوال قابلیت پیش‌بینی برای بازیگران بین‌المللی و در نتیجه، تهدید امنیت حقوقی بین‌المللی خواهد بود» (کدخدایی و مقامی، ۱۳۹۷: ۱۲). حال باید دید در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست کنونی، با در نظر گرفتن شرایط موجود تا کجا می‌توان وحدت‌گرایی کانتی را محقق ساخت؟

1. Le club des juristes.

۲. کشورهای مخالف این قطعنامه عبارتند از: از ایالات متحده آمریکا، روسیه، فیلیپین، سوریه و ترکیه و کشورهای که رأی ممتنع دادند، افزون بر جمهوری اسلامی ایران، شامل عربستان سعودی، بلاروس، مالزی، نیکاراگوئه، نیجریه و تاجیکستان. ر.ک:

L'Assemblée générale envisage un pacte mondial pour combler les lacunes du droit international de l'environnement, <https://www.un.org/press/fr/2018/ag12015.doc.htm>.

۳. برخی از این اصول عبارت‌اند از: اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز (The 'polluters pays' principle)؛ اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین (The Principle of non-harmful use of land)؛ اصل توسعه پایدار (le principe du développement durable)؛ اصل ضرورت حفاظت از محیط زیست (The principle of necessity)؛ اصل پیشگیری (The principle of Prevention)؛ اصل احتیاط (The Principle of Precaution)؛ اصل ارزیابی (The principle of assessment)؛ و اصل اطلاع‌رسانی (The principle of notification).

۴. ماده ۱۶ پیش‌نویس پیمان: «طرفین اقدامات لازم برای نگهداری و احیای تنوع و ظرفیت اکوسیستم‌ها و جوامع بشری اتخاذ خواهند کرد به‌نحوی که در برابر اختلال و تخریب‌ها و خسارات زیست‌محیطی مقاوم بوده و به‌نحوی بازسازی گردد که با آن سازگاری نماید».

تمرکز نهادی درون ساختار ملل متحد

گذار از کثرت و نیل به وحدت کانتی در بعد نهادی در مورد تمامی سازمان‌های بین‌المللی زیست‌محیطی اعم از دولتی و غیردولتی در وضعیت موجود تقریباً دور از ذهن به نظر می‌رسد و صحت کارکرد آن نیز به درستی اثبات نشده است. تخصص‌گرایی و پلورالیسم نهادی را در صورتی می‌توان مفید دانست که مرجعی واحد به ایجاد هماهنگی میان آنها بپردازد و با شکل‌گیری تقسیم‌کاری هرچند نانوشته میان آنها، کارکرد عملی آنها در خدمت مجموعه بزرگ‌تری به نام حقوق بین‌الملل محیط زیست قرار گیرد. هنری فایول^۱ و برخی دیگر از متفکران علم علوم اداری و مدیریت سال‌ها پیش کوشیدند اصول و مفاهیم مشخصی را ارائه کنند تا بر پایه آنها بتوان به صورتی قاعده‌مند امور مربوط به سازمان‌ها و مدیریت آنها را تبیین و تحلیل کرد (گلایی، ۱۳۸۱: ۶۵). به همین منظور، آنها اصول چهارده‌گانه‌ای^۲ را مطرح کردند که در صورت جمع آمدن آنها، عملکرد سازمان‌ها تا حد زیادی در خدمت اهداف تعیین‌شده قرار خواهد گرفت. اگرچه مراد ما از تقسیم‌کار میان سازمان‌ها یا لزوم وجود فرماندهی واحد دقیقاً همان مفهومی نیست که هنری فایول بیان کرده است. شاید نتیجه مدنظر نگارنده، از رهگذر نظریات امیل دورکیم^۳، فیلسوف و جامعه‌شناس برجسته فرانسوی در کتاب *تقسیم‌کار اجتماعی*^۴ او قابل فهم‌تر باشد، هرچند کماکان انعکاس همان مفهوم نیست. افکار دورکیم آنجا که درباره سودمندی تقسیم‌کار و تعریف کار تخصصی به ازای هر فرد، برای جامعه و افزایش ظرفیت تولیدی و مهارت کارگران و همچنین ایجاد حس «همبستگی»^۵ میان افراد سخن می‌گوید (Durkheim, 1893: 4-6)، می‌تواند در مورد سازمان‌های بین‌المللی زیست‌محیطی (افراد) و جامعه بین‌المللی (جامعه) نیز راهگشا باشد. او دو نوع «همبستگی مکانیکی»^۶ و «همبستگی ارگانیکی»^۷ برای جامعه متصور است که نخستین آن در جوامع بدوی است که حداقل تفاوت‌های فردی وجود داشته و اعضای جامعه از حیث دلبستگی به خیر همگانی بسیار به یکدیگر نزدیک‌اند. اما همبستگی ارگانیکی در جوامع صنعتی و اتفاقاً در بستری از تفاوت‌ها و

1. Henri Fayol

۲. اصول چهارده‌گانه هنری فایول شامل موارد ذیل است: اصل وحدت مدیریت، اصل وحدت فرماندهی؛ زنجیره فرماندهی، سلسله‌مراتب یا زنجیره اسکالر، اصل تقسیم‌کار یا تخصص، اصل اقتدار و مسئولیت، اصل تبعیت منافع فرد از منافع جمع؛ انصاف؛ پایداری تصدی مناصب، درجه تمرکز، انضباط، ابتکار و نوآوری، روح همدلی و صمیمیت، انگیزه و بهره‌وری (دستمزد) و نظم. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

<https://www.toolshero.com/management/14-principles-of-management/>

3. Emile DURKHEIM

4. De la Division du Travail Social, 1893

5. Solidarity

6. Solidarité mécanique

7. Solidarité organique

تقسیم کار تخصصی شکل خواهد گرفت (Durkheim, 1893: 5-6) «رابطه و همبستگی در جوامع صنعتی شده، شبیه اندام انسان است که هر عضو در رابطه با سایر اعضا و در کل بدن مفهوم می‌یابد و عملکرد مشخصی پیدا می‌کند» (گلابی، ۱۳۸۱: ۸۰). شباهت‌هایی کلی میان مفهوم همبستگی ارگانیکی امیل دورکیم و تفکرات مارتی کاسکنیمی در زمینه رسیدن به وحدت از کثرت موجود در حقوق بین‌الملل وجود دارد که شاید ناشی از تأثیر غیرمستقیم و ناخواسته افکار جامعه‌شناس فرانسوی بر این حقوقدان و متفکر فنلاندی باشد. همچنین از نگاهی، توصیف آدام اسمیت از رهگذر طرح عملکرد طبیعی دست نامرئی^۱ برای توصیف مزایای اجتماعی ناخواسته ناشی از اقدام‌های اقتصادی فردی (Smith, 1937: 423) نیز بی‌شباهت به وجوه مشترک نظرهای پیش‌گفته نیست؛ در واقع شاید بتوان گفت که افراد (سازمان‌ها) ضمن تلاش برای رسیدن به اهداف سازمانی خود، خواسته یا ناخواسته، در حقیقت در حال کمک به تحقق آرمان‌های مجموعه بزرگ‌تری هستند که همانا نظام بین‌المللی حاکمیت زیست‌محیطی است، اما واقعیت آن است که در عمل بدون توجه به تقسیم کاری صحیح بر پایه نظامی منطقی از قواعد و مقررات، هیچ دستی نامرئی به کمک آشفتگی نهادی کنونی در عرصه حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی نخواهد آمد. همان‌طور که جان رالز^۲ در اثر خویش به نام نظریه عدالت^۳، «ساختار بنیادین جامعه یا نحوه آرایش نهادهای اجتماعی اصلی در قالب طرح واحدی از همکاری را مهم‌ترین موضوع اصول عدالت اجتماعی دانسته و منظور خود از نهاد را نظامی عمومی از قواعد می‌داند که منصب‌ها، موقعیت‌ها را به‌همراه حقوق و تکالیفشان، اختیارات و مصونیت‌هایشان و اموری از این دست تعریف می‌کند» (رالز، ۱۳۹۶: ۸۸-۸۷)، در اینجا به حقیقت نزدیک‌تر باشد. سازمان‌های بین‌المللی در عین کثرت و پراکندگی در صورتی که تقسیم کار مشخصی میان آنها ایجاد شود، برآیند و ارزش افزوده‌ای ایجاد خواهند کرد که نوعی همبستگی ارگانیکی را نتیجه خواهد داد و ثمره مهم آن خنثی نکردن نیروهای یکدیگر در قالب سیستمی بزرگ‌تر است. در واقع مبنای کار سازمان‌های بین‌المللی در چارچوب ساختار کلی‌تر و بزرگ‌تر حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی نیز به‌طور منطقی باید پرداختن به موضوعات مجزا بوده یا دست‌کم از موازی‌کاری‌ها پرهیز شود. آنچه از مطالعه وظایف و اختیارات کنونی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف که فارغ از رسالت اصلی خویش به‌نحوی از انجا به موضوعات زیست‌محیطی ورود پیدا کرده‌اند، به‌دست می‌آید، در بسیاری از موارد حاکی از موازی‌کاری و انجام همزمان بسیاری از امور زیست‌محیطی است؛ امری که فرجامی جز افزودن بر پیچیدگی فرایندها در حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی ندارد. در میان تکثر نهادی موجود

1. Invisible Hand
2. John Rawls
3. A Theory of Justice

دو دسته کلی الف) نهادهای زیست‌محیطی درون سازمان ملل متحد و ب) سازمان‌ها و نهادهای خارج از مجموعه ملل متحد، تفکیک‌پذیر است. در مورد بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای خارج از مجموعه ملل متحد به‌ویژه برای مثال سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) نمی‌توان نسخه حذف آنها را پیشنهاد کرد، زیرا این سازمان‌ها بخشی از جامعه مدنی در بستر فضای کثرت‌گرا هستند که بدون اهداف منفعت‌طلبانه یا کسب قدرت، برای نیل به اهداف و آرمان‌های خویش فراتر از چارچوب دولت‌ها و نظم حاکمیتی موجود عمل می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۶: ۳). همچنین فارغ از فایده چنین ارکانی در کنار دولت‌ها در جامعه بین‌المللی برای معضلات بین‌المللی از جمله محیط زیست، «سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی، نماد جامعه مدنی جهانی و تجلی‌گاه همبستگی افراد در خارج از چارچوب‌های دولتی به‌شمار آمده و حضور آنها در عرصه حقوق بین‌الملل، گواه بر دموکراتیک‌سازی نظم بین‌المللی است» (عبیدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷). اما به‌نظر می‌رسد که می‌توان همسو با بند ۴ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد^۱، درون ساختار ملل متحد به‌ویژه در بخش نهادهای راهبر به وحدت نهادی دست یافت و با ایجاد مرکزی واحد مانند تأسیس یک «آژانس تخصصی زیست‌محیطی ملل متحد»، فعالیت سایر سازمان‌های بین‌المللی را نظام‌مندتر ساخت و به تدریج پروژه حذف خودبه‌خودی آن دسته از سازمان‌های بین‌المللی و جهانی را کلید زد که به دلیل احساس نیاز و خلأ موجود خارج از چارچوب ملل متحد با اراده دولت‌ها ایجاد شده‌اند.

نتیجه‌گیری

کثرت‌گرایی در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست آن‌گونه که از تفکرات پلورالیستی برمی‌آید، در عمل به وحدتی که از سوی طرفداران آن ادعا می‌شود، نینجامیده و واقعیات عملی نشان از آن دارد که فقدان چارچوب هنجاری جامع در حقوق بین‌الملل محیط زیست و تکثر نهادهای موازی، خود به معضلی جدی در این حوزه تبدیل شده است. نبود اصول و معیارهای بنیادین و مدون برای تفسیر سایر هنجارهای متکثر موجود، خلأ جدی این حوزه محسوب می‌شود. از طرفی قانون اساسی‌گرایی، برگرفته از اندیشه‌های فیلسوف بزرگ سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی، امانوئل کانت، به‌ویژه در حقوق بین‌الملل محیط زیست جان دوباره‌ای یافته است که نشانه‌های آن را می‌توان در اقدام جامعه بین‌المللی در تدوین پیش‌نویس پیمان جهانی محیط زیست یافت. در بعد نهادی حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز امکان تحقق کامل وحدت کانتی از طریق حذف تمامی نهادهای موجود نه امکان‌پذیر است و نه عقلانی می‌نماید. آنچه از قِبل تفکیک نهادهای زیست‌محیطی درون و برون از ساختار سازمان ملل متحد قابلیت اجرایی می‌یابد،

۱. «بودن مرکزی برای هماهنگی [...]»، بند ۴ ماده ۱ منشور.

ایجاد تمرکز نهادی در درون این ساختار وفق بند ۴ ماده ۱ منشور است، به‌نحوی که بتواند تخصص‌گرایی موجود در قالب تکثر نهادهای متولی موضوعات مختلف زیست‌محیطی را به گونه نظام‌مندتری سامان بخشد و با برقراری تقسیم‌کاری منطقی که نظریات مدیریتی و جامعه‌شناختی نیز مؤید فایده‌مندی آن برای جامعه است، در خدمت نیل به آرمان‌ها و اهداف مجموعه بزرگ‌تری به نام حقوق بین‌الملل محیط زیست قرار دهد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. تسون، فرناندو (۱۳۹۴)، *فلسفه حقوق بین‌الملل*، ترجمه محسن محبی، چ سوم، تهران: شهر دانش.
۲. ذوالعین، پرویز (۱۳۹۵)، *مبانی حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. رالز، جان (۱۳۹۶)، *نظریه‌ای در باب عدالت*، ترجمه مرتضی نوری، تهران: نشر مرکز.
۴. کاسکنیمی، مارتی (۱۳۸۹)، *فرجام حقوق بین‌الملل: نوسان میان تکنیک و تدبیر*، ترجمه سید قاسم زمانی و آرامش شهبازی، تهران: مؤسسه مطالعات حقوقی شهر دانش.
۵. کولاسوریا، لال کورو؛ رابینسون، نیکلاس (۱۳۹۰)، *مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست*، ترجمه سید محمدمهدی حسینی، تهران: میزان.
۶. کیس، الکساندر؛ شلتون، دینا (۱۳۹۷)، *راهنمای حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تحقیق و ترجمه دکتر محمد سعید شفیعی و همکاران، تهران: جنگل.
۷. گلابی، سیاوش (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*، تهران: میترا.
۸. موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، *در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر*، تهران: کارنامه.
۹. موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۹۱)، *سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران: میزان.

ب) مقالات

۱۰. اکبری لالیمی، مرتضی (۱۳۹۵)، «اجرای حق تعیین سرنوشت، تقابل حقوق بشر با حاکمیت دولت‌ها»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتم، ش ۹۶، ص ۸۰-۶۱.
۱۱. پروین، خیراله (۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی شدن و تحولات بین‌المللی بر حاکمیت و استقلال دولت‌ها»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۴، ص ۴۱-۶۲.
۱۲. حسینی، سید مهدی (۱۳۹۲)، «حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی و چالش‌های توسعه

- پایدار در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، *فصلنامه علمی محیط زیست*، ش ۵۶، ص ۳۱-۴۳.
۱۳. شهبازی، آرامش (۱۳۸۸)، «تأملی در وحدت و کثرت نظام حاکم بر سیستم حقوق بین الملل»، *مجله حقوقی بین المللی*، سال بیست و ششم، ش ۴۱، ص ۶۰-۱۳.
۱۴. فلسفی، هدایت اله (۱۳۸۱)، «حق صلح و منزلت انسانی، تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، *مجله حقوقی ریاست جمهوری*، ش ۲۶ و ۲۷، ص ۱۳۰-۵.
۱۵. کدخدایی، عباسعلی؛ مقامی، امیر (۱۳۹۷)، «پیامدهای خوانش دستورگرایانه از حقوق بین الملل»، *مجله حقوقی بین المللی*، ش ۵۹، ص ۳۸-۷.
۱۶. مافی، همایون؛ بذار، وحید (۱۳۹۴)، «عوامل احتمالی تجزیه حقوق بین الملل با تأکید بر گزارش سال ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل»، *فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل*، دوره نخست، ش ۱۸، ص ۲۰۸-۱۸۳.
۱۷. مافی، همایون؛ بذار، وحید (۱۳۹۵)، «نظریه سلسله مراتب هنجاری در پرتو قواعد حقوق بشری با تأکید بر رویه قضایی بین المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، ش ۴، ص ۱۰۴۸-۱۰۲۷.

ج) پایان نامه ها

۱۸. عبیدی نیا، مریم (۱۳۹۲)، «نقش سازمان های مردم نهاد بر فرایند حقوق بین الملل محیط زیست از سیاستگذاری تا اجرا»، پایان نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما: دکتر الهام امین زاده)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۹. محمدی، حامد (۱۳۹۶)، «نقش سازمان های مردم نهاد در پیشگیری و مبارزه با جرائم حوزه محیط زیست»، پایان نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما: دکتر ضرغامی)، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Durkheim, Émile (1893), *De la division du travail social*, Livre I, Les classiques des sciences sociales.
2. Habermas, JORGEN (2006), *The Divided West (Der gespaltene Westen)*, edited and translated in English by Ciaran Cronin, Polity Press Ltd, Cambridge CB2 1UR, UK.
3. Ion D, (2012), *Kant and International Relations Theory: Cosmopolitan Community-Building*. Abingdon: Routledge.
4. Kelsen, Hans (1962), *Théorie pure du droit*, traduit par Ch. Eisenmann, Paris,

Dalloz.

5. Kleinlein , T. (2011) *Konstitutionalisierung im Völkerrecht: Konstruktion und Elemente einer idealistischen Völkerrechtslehre*, Berlin.
6. L.A. Hart, Herbert (1965), *The Concept of Law*, Oxford, Clarendon Press.
7. Ricciardelli, Marina; Sabine Urban ; Kostas Nanopoulos (2000), *Mondialisation et sociétés multiculturelles, L'incertain du futur*, PUF.
8. Reiss, Hans, (1971), *Kant's Political Writings*, Translated by H.B. Nisbet, fourteen printing.
9. SHANY, Yuval (2003), *The Competing Jurisdictions of International Courts and Tribunals*, Oxford, Oxford University Press.
10. Smith, Adam (1937), *The Wealth of Nations*, ed. Edwin Cann, New York.

B) Articles

11. Barchiche, D. *et al*, (2019), 'Qu'attendre d'un Pacte mondial pour l'environnement ? ', *Iddri*, Décryptage.
12. Capps, Patrick, (2001), "The Kantian Project in Modern International Legal Theory", *EJIL*, Vol.12, No.5.
13. Chen, Xunwu (2019), "Beyond Kant's Political Cosmopolitanism: Thinking a World Constitution without a World State", *Philosophy Today*, Vol. 63, No.2.
14. Comtois-Dinel, Eve-Lyne, (2006), « La fragmentation du droit international : vers un changement de paradigme? », *Lex Electronica*, vol. 11 n° 2.
15. DUPUY, P.M.,(2002), 'L'unité de l'ordre juridique international: cours général de droit international public', *RCADI*, Vol.297, pp. 432-450.
16. Edith Brown Weiss (1999), "Understanding Compliance with International Environmental Agreements: The Baker's Dozen Myths", *University of Richmond Law Review*, Vol. 32.
17. Finkelstein, Larry (1995), "What is Global Governance?" 1995, pdf version of this paper is available at: <http://classes.maxwell.syr.edu/intmgt/Finkelstein.PDF>.
18. Ion D, "Kant and International Relations Theory: Cosmopolitan Community-Building", *Abingdon: Routledge*, 2012, P. 150.
19. K. Anton, Donald, (2012), "Treaty Congestion in Contemporary International Environmental Law", *ANU College of Law Research*, Paper No. 12-05.
20. Maljean-Dubois, Sandrine (2003), 'La mise en œuvre du droit international de l'environnement ', *Les notes d'Iddri*, No. 4 , Institut du développement durable et des relations internationales.
21. Martineau, Anne-Charlotte, and others, (2007), dir. L'influence des sources sur l'unité et la fragmentation du droit international, *Revue Québécoise de droit international*, Vol. 20-1, pp. 489-494.
22. Tuori, Kaarlo (2013), 'Vers une théorie du droit transnational ', *Revue internationale de droit économique* (t. XXVII).
23. Yves, Petit (2011), 'Le droit international de l'environnement à la croisée des chemins : globalisation versus souveraineté nationale', *Revue Juridique de l'Environnement*, No.1.

C) Dissertations & Thesis

24. GENEVIÈVE LeBLANC (2011), 'Gouvernance internationale de l'environnement : une perspective systémique écologique pour la réforme des organisations internationales', mémoire de maîtrise, université du Québec à Montréal.
25. Malviya, Chetna, (2015), 'le rôle du pacte mondial dans la protection de l'environnement', sous la direction de madame Sandrine Maljean-dubois, mémoire de maîtrise en droit international et européen de l'environnement, faculté de droit et de sciences politiques Aix-Marseille.

D) Documents

26. A/73/419, (2018), Lacunes du droit international de l'environnement et des textes relatifs à l'environnement: vers un pacte mondial pour l'environnement, Rapport du Secrétaire général.
27. A/RES/72/277, (2018), General Assembly, Towards a Global Pact for the Environment.
28. Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, U.N. Doc. A/CN.4/L.682 (Apr. 13, 2006).
29. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment of 25 September 1997, ICJ Reports, Para. 140.
30. ICJ Reports (1996), "Intransgressible principles of international law", Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion.
31. ICJ Reports, (1949), Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania).
32. ICJ Reports, (1970), Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgique c. Espagne).

- References in Persian

A) Books

1. Fernando, Tesón (1998), *A philosophy of international law*, translated by Mohsen Mohebi, Tehran: the SD Institute of Law Research & Study (S.D.I.L) (In Persian).
2. Golabi, Siavash (2009), *Sociology of Organizations*, Tehran: Mitra Editions (In Persian).
3. Kiss, Alexandre & Shelton, Dinah (2007), *Guide to International Environmental Law*, translated by Mohammad Said Shafiee and others, Tehran: Jangal Editions (In Persian).
4. Koskenniemi, Martti (2007), "The Fate of Public International Law: Between Technique and Politics", translated by Seyed Ghasem Zamani and Aramesh Shahbazi, Tehran: the SD Institute of Law Research & Study (S.D.I.L) (In Persian).
5. Movahed, Mojammad Ali (2002), *In the air of right and justice; from natural rights to human rights*, Tehran, Karnameh Editions (In Persian).
6. Rawls, John (1999), *A Theory of Justice*, translated by Morteza Nouri, Tehran: Markaz Editions (In Persian).
7. Robinson, Nicholas A & Kurukulasuriya, Lal (2006), *Training Manual on International Environmental Law*, translated by Seyed Mohammad Mahdi Hoseini, Tehran: Mizan Editions (In Persian).
8. Zoleyn, Parviz (2016), *Foundamentals of Public International Law*, Tehran: The Institute for political and International Studies (In Persian).

B) Articles, Dissertations

9. Akbary lalimi, Morteza (2017), "Enforcement of Right to Self-Determination: Opposition between Human Rights and Sovereignty of Governments", *Law Journal*, Vol. 80, Issue 96, pp. 61-80 (In Persian).
10. Falsafi, Hedayatollah (2001), "Right, Peace and Human Dignity: Reflections on the Concept of the Principle of Law, Ethical Value and Humanity", *International Law Review*, Vol. 19, pp. 5-130 (In Persian).
11. Hoseini, Seyed Mahdi (2013), "International Environmental Governance and Sustainable Development Challenges in Developed and Developing Countries", *Journal of Environmental Science and Engineering*, pp. 31-43 (In Persian).
12. Mafi, Homayoun & Bazzar, Vahid (2015), "Probable Causes of Fragmentation of International Law with Emphasis on the Report of International Law Commission (2006)", *International Relations Research*, pp. 183-260 (In Persian).
13. ----- (2017), "The theory of normative hierarchy in the light of Human Rights Rules with emphasis on International Jurisprudence", *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 46, Issue 4, pp. 1027-1048 (In Persian).
14. Maghami, Amir and Abbasali Kadkhodaei, (2018), "The Consequences of Constitutional Reading of International Law", *International Law Review*, Vol. 35, No.59, pp. 7-38 (In Persian).

15. Parvin, Kheirollah (2011), "Globalization and Its Effect on the World Transitions and Governments' National Sovereignty", *Politic Quarterly*, Vol. 40, Issue 4, pp. 41-62 (In Persian).
16. Shahbazi, Aramesh, (2010), "Some Considerations on the Unity and Fragmentation of International Legal System", *International Law Review*, Vol. 26, Issue 41, pp. 13-60 (In Persian).

C) Thesis

17. Abidi Nia, Zahra (2013), "The Role of Non-governmental Organizations on the Process of International Environmental Law, from Policy-making to Execution International Non-governmental", M.A. Thesis in International Law, supervised by Dr. Elham Aminzadeh, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran (In Persian).
18. Mohammadi, Hamed, (2017), "The role of non-governmental organizations in preventing and combating environmental crimes", M.A. Thesis in International Law, supervised by dr. Zarghami, Azad University, Bandar Abbas (In Persian).